

## متن پرسش

سلام علیکم استاد: وقت شما بخیر ان شاء الله که سلامت باشید استاد تا اونجایی که یادم میاید از ابتدا با عشق الهی با سلوک آشنا شدم و پا در مسیر سلوکی گذاشتم. مسله ای که خیلی آزارم می دهد این است که در ابتدا آتش عشق و حرارت بسیار حس می شد ولی با گذشت زمان کم شد و روبه سردی گذاشت (البته با تناوبی میرا: یعنی عشق و حرارت من تناوبی بود یک روز بود یک روز نبود ولی در کل اگر میانگین بگیرم خیلی آن حرارت و آتش کم شده) علاوه بر این که سعی کردم بیشتر به دستورات پایبند باشم یعنی مراقبه اعمالی که در ابتدا داشتم کم بود ولی با گذشت زمان بیشتر شد سعی کردم بیشتر رعایت کنم و همچنین در پی کسب معرفت برآمدم و کتب معرفتی نیز مطالعه کردم با این حال علاوه بر این که هم مراقبه عملی من بیشتر شد و متشرع تر شدم و هم معرفتم و دانسته های توحیدی من بیشتر شد آن حرارت و عشق خیلی کمتر شد. البته چند مطلب را بگویم: ۱. مراقبه به معنای یاد خدا بودن من در ابتدا نسبتا بیشتر بود چرا که وقتی که حرارت و عشق بیشتر بود بدون زحمت و سختی در حضور و یاد خدا بودم ولی وقتی آن حرارت و عشق رفت هرچه تلاش می کنم نمی توانم به یاد خدا باشم اصلا فکر می کنم مراقبه معلول جذبه هست نه برعکس و در نتیجه مراقبه (به معنای حضور قلب در تمام لحظات) من نسبت به گذشته کم شد. ۲. تا آن جایی که یادم می آید حال از ابتدا به سه قسمت تقسیم می شود: در ابتدا که اصلا قبض و بسطی نبود و فقط عشق و حرارت بود. در اواسط دچار قبض و بسط های خیلی شدیدی شدم و هر چه گذشت از شدت قبض کاسته و به زمان آن اضافه شد و قسمت سوم هم که احوالات اخیر من است شدت قبض های من خیلی کم ولی زمان آن طولانی شد و خبری هم از آن حرارت و عشق گذشته نیست (البته هر از چندگاهی به ما سر می زند و زود می رود و بطور میانگین کم شده). ۳. از همان ابتدا هم واقعا نمی گویم مراقبه خوبی داشته ام و الان هم به نظر خودم ندارم. استاد این وضعیت فعلی من عادی است؟ یعنی همه همین طور می شوند؟ (منزلی از منازل است) یا مشکل من است و به دلیل کم کاری و عدم مراقبه به این صورت شدم؛ استاد حالا به نظر شما چی کار کنم وقتی هیچ عشقی نمانده و سرد شدم چطور مسیر را ادامه دهم؟

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به مسیری فکر کنید که رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» در مقابل ما گذاشته اند. مسیری که باید طی شود هر چند هزاران موانع و احوالات متفاوت در این مسیر پیش آید

و با صبر بر طاعت، انسان طوری از آن موانع عبور می‌کند که پس از مدتی **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** به جامعیتِ لازم می‌رسد و می‌فهمد که همه‌ی آن موانع و تفاوت احوال در جای خود لازم بود. پس: «تو پای در نه و هیچ می‌پرس». موفق باشید